

بسم الله

۱۹ آبان ۱۳۰۲ شمسی

در ارض لرستان

سرپرست موزه ملی ایران  
تاسیسات ۷۸

راهزنان بنیاد امیران  
(تاسیسات ۷۷)

مردگان: مردم شکاری، مکتب محوری، معبد دکانی (در اصفهان)، مجرای امیران، معرزه شکار، معرزه محوری، پوریا فروری، محمد باقری

معرزه شکار، معرزه محوری، معرزه دکانی

محل اثر لرستان: جاده هزار، جاده مله، دوستانک تلور

برای رفتن به این نواحی خط چهارشنبه به سنابل شرق و سپس د سواران اولی ها کی مله از تعداد ۱۱ ششم. برای مله ۲ مردان در هر روز بود در اردن

مردان ۹:۳۰ صبح در مردان بود ساعت ۱۴:۳۰ بعد از ظهر حرکت می کنند. با توجه به تعطیلات آخر هفته بطول می کشد به مدت حدود ۱۵ ساعت

از تهران خارج شدم. پس از توقف در تلور در ساعت ۱۸:۴۵ دوستانک تلور رسیدم و شب بانه محوطه مسجد آبی شهری کردم. پس از حل به معرزه و صرف شام

در راه در ساعت ۱۲ شب خوابیدم.

در ساعت ۴:۳۰ صبح از خواب بیدار شدم و پس از صرف صبحانه و تقسیم وسایل فردی (!) در ساعت ۶ در حالیکه هوا هنوز باران بود به

راه افتادم. در ابتدای جوی حای افراد در صفم جوی شخصی شد. پس از تعدادی توقف در بیدار کردن مسیر از جایت مسیر بیدار شد و از قسمت سمت

راست رودخانه ای کوچک به سمت شمال به راه افتادم. بعد از چرخش در قسمتی از جوی امراضی و اذیتها را داشتم و مجدداً جوی خود ادامه دارم.

بعد از یک ساعت حرکت به جایی رسیدم که در راه برای ادامه مسیر وجود داشت و راهی به ظاهر میان بر و در مسیر با کوب در یک چپ آن. در نهایت

مسیر را در راه با کوب ادامه دارم و مسیر در آن نیز همین بود.

استراحت خوبی در بالای تپه بود به طول حدود ۷۵ متر و عرض ۱۰ متر و ارتفاع ۱۰ متر. در اینجا داشتیم. ادامه مسیر تپه در جهت شمال غربی

که بطور متعادل هر ۴۵ استراحتی ۱۰ دقیقه ای داشتیم تا اینکه از چند شب نسبتاً تند و طولانی عبور کردیم و به بالای تپه رسیدیم.

مقداری از مسیر تا جایی که باید راه بارانست را به سمت راست دورتای  
برخی ششم نمانده بود که باز استراحتی طولانی (بسیار ساعت) داشتیم تا مسیر

اعضای خود بر بلند و آماده حرکت شوم.

پسین حرکت کردم و پس از ۱۵ به دوراهی رسیدیم که سمت چپ آن به سمت راست آن مسیر بازگشتمان بود. تپه ها آزاد بود. در ادامه

و غلظت از این مکان دورتای بسیار زیبایی داشتند. ساعت حدود ۱۴:۳۰ بود که در حال راه رفتن بودیم و آقای جعفری که به علت ناراحتی طبعی ترسش

در زمان ترسش نبود مانند وقتی که به سمت تپه بر راه افتادیم در ساعت ۱۵:۱۵ به تپه گرد رسیدیم و بعد از ۱۵ استراحت و خوردن چندین عسل خام بازگشت

شدم در ساعت ۱۶ به پایین تپه آنجا که جعفری و کوهنهار رسیدیم.

بعد از خوردن نهار و استراحت ساعت ۱۶:۵۰ عازم بازگشت شدیم و تپه مسیر را بدون هیچ مشکلی طی کردیم. پس از گذر از چندین کوهساز کوچک و عبور از دره ها

که اطراف آن را صخره ها پر کرده بود به دست و پایی رسیدیم که زمینهای شاد و درختی میوه دار است. در ساعت ۱۷:۱۵ به آن دورتای رسیدیم که دورتای

در ادامه و فاصله اطراف آن بسیار زیاده ماند برای ... بود. قبل از ده مایه ما ۲ تن از اعضا برگه پیدا کردند. مکان مناسبی برای استراحت عازم دورتای بود

بعد از ۱۵ به دنبال کپه ها آمدیم و با بلندترین کپه رسیدیم. استقبالی که از ما بسیار خوب بود و به هر حال شب را در آنجا سپری کردیم. جمعیت

۷ از خوب بسیار شدیم و بعد از رسیدن عازم دورتای  
شدم. بعد از گذر از مناطقی که بسیار زیبا و خطی آنها آن منطقه به هر جایی که رسیدیم به تپه

مسیر را باید در آن می بردیم. جاده از دورتای جفتی داشت و مناظر بسیار زیبا دیدنی. منطقه تا جایی که رسیدیم به هر جایی که رسیدیم به تپه

در ساعت ۱۱ دورتای جفتی که در آنجا استراحت طلبه اتفاق افتاد. در آنجا بودیم و بعد از آنجا راه افتادیم.

درسیه و نهار در رحمان جا خوردیم. قبل از نهار نیز با کس داننده منی بوس قرار دادیم که در آن آمل

برسانند. بعد از نهار و استراحت هم غایم آمل شدیم و در آنجا شام ۱۶ بعد از ظهر به ترفیال آمل رسیدیم.

به علت تعطیلات و شلوغ بودن ترفیال ناچار به بازگشت به منی بوس به یک نخل شدیم و در آنجا درسیه ۲۱ شب روز جمعه به ترفیال تروق بران

رسیدیم و در آنجا منی بوس تا ترفیال مسجد مدان آمدیم و هر کس به منزل خود رفت.

به علت اقامت در درسیه شبی مسیر (در مسجد آمل در آنجا) دکتر نیازی به جاده نمود اما نمی توانیم به امید استغاده از این امانت رسید بود

جاده به همراه داشت.

در درسیه تا کور و خانه اقامت در درون مسجد داده شد و فقط اجازه ورود به حمام و نماز به ما داده شد.

چون مسیر وقت در کور شد منی بوس نمی ماند تا بران مابین افراد حوره توانیم انجام بدهیم تا راننده باشد.

از درسیه تا کور تا درسیه که در آنجا استراحت کردیم آب در درسیه نمی ماند (مخبر استیاد انجمنی می گوید که جوی ایجا حواله دارد و تال المینال است)

در آنجا - امداد باقی (حرفه ۲۵۴ ۲۰۵ لیتر) - همراه داشت.

با شکر از درسیه آملی سبکی (مسافت ۸۰) که در وقت تمام عطش را فراد مرتب کند و در آنجا مالت بدیدند و فرود آمدیم و توانستیم در آنجا بمانیم.

مترک گند و قرار بود خود را به آنجا ببریم تا به آنجا برسیم.

با شکر از آنجا که در مسافت تمام راه را طی کردیم و در آنجا به نهار رسیدیم و در آنجا

با شکر از همه افکار مترک گند.

با شکر  
عمر عبد الرحمن  
شکر و به همراه هم رسیدیم